Archive of SID

بازتاب دفاع مقدس در غزل پست‌مدرن

دکتر فریده داودی مقدم[۱]
دکتر محبوبه خراسانی[۲]

چکیده

شعر دفاع مقدس جلوه‌گاه استعارات، تمثیل‌ها، تلمیحات و اسطوره‌های ویژه‌ی هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران است که در انواع و قوالب و سبک‌های گوناگونی ظهور یافته است و همانند درخت تناوری در شعر معاصر ایران و ادبیات این مرز و بوم ریشه دوانده و به عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی شاعران توانا و گاه متوسط مطرح بوده است. چنان که حتی شاعران نوگرا و تابوشکنی چون غزلسرایان پست مدرن نیز نتوانسته‌اند از این جریان اصلی ادبیات امروز برکنار بمانند. اگرچه غزل‌های پست مدرن به دلیل کلام غیرعادی، ساختارشکنانه و هجوگونه و مؤلفه‌هایی معنایی نظیر عصیان و اعتراض و ... کمتر مورد توجه صاحب‌نظران عرصه‌ی شعر و ادبیات بوده است، اما هرگز نتوانسته است نسبت به مضامین دفاع مقدس بی‌اعتنا باشد و در میان انبوه غزل‌های این شاعران به شعرهایی با موضوع دفاع مقدس برمی‌خوریم که به جز اندک بازی های زبانی و ساختارشکنی‌های نحوی و آوایی و در برخی موارد،بیان انتقادهای اجتماعی وبحران های انسانی کمتر مؤلفه‌های پست مدرنی درآن‌ها دیده می‌شود.

این پژوهش به شیوه‌ی تحلیل محتوا در پی اثبات این مدعاست که ساحت دگرگون و عناصر خاص شعری دفاع مقدس، توانسته است فضای ذهنی و متنی شاعران پست مدرن را به گونه‌ای متفاوت از دیگر اشعار این عرصه جلوه‌گر سازد و گاه تفاسیری انسانی واجتماعی از پدیده ی جنگ در جهان ارائه دهد.

کلیدواژه: دفاع مقدس، شعر فارسی، غزل، پست‌مدرنیسم.

۱- استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شاهد، fdavoudy@gmail.com
۲-استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، mahboubehkhorasani@gmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

ادبیات پایداری و شعر دفاع مقدس دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است که تنها به کلام مخیّل منحصر نمی‌شود و موضوعات خاصی در آن ظهور می‌یابند. این شعر جلوگاه نمادها، تمثیل‌ها، تلمیحات و اساطیری می‌شود که آن را از دیگر شعرهای معاصر متمایز می‌کند، بخصوص در ادبیات پایداری ایران، چه در شعر انقلاب و چه در شعر دفاع مقدس، ساحتی قدسی و معنوی به خود می‌گیرد و با تغذیه از صور خیال و سمبل‌ها و معانی والا و آموزه های متعالی ادبیات عرفانی و تعلیمی کلاسیک، سیر تکاملی خود را همچنان طی می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان در این حوزه به تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از منظرهای تاریخی، بلاغی، سبکی، ارزشی، جامعه‌شناختی و ... قائل شد.

گرچه برخی پژوهشگران این عرصه سعی داشته‌اند تا به طبقه‌بندی‌ای برای شعر انقلاب و دفاع مقدس دست یابند اما حقیقتاً تا پیشنهاد دسته‌بندی‌های درست و جامع در این حوزه راه زیادی در پیش است. به هر روی، تعریف انواع قالب‌ها و مضامین و ... در شعر پایداری از حوصله‌ی این مقال خارج است و نگارندگان در این پژوهش سعی دارند به معرفی گوشه‌هایی از شعر دفاع مقدس در غزل پست مدرن بپردازد. شعری که به دلیل ویژگی‌های تابوشکنانه و اعتراضی و گاه کلام سخیف، زبان شکسته و معمول خود از نظر بسیاری از صاحب نظران عرصه‌ی ادبیات قابل اعتنا نیست، اما در میان عده‌ای از جوانان و روشنفکران به عنوان جریانی از شعر معاصر ایران خوانده، نقد و تحلیل می‌شود و طرفداران خاص خود را دارد.

پژوهشگران این مقاله که به طور تخصصی درباره‌ی ویژگی‌های سبکی غزل پست مدرن و لایه‌های مختلف آن چون لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک، مطالعه داشته‌اند، دریافته‌اند که در این شعر موضوع دفاع مقدس جایگاه ویژه و متمایزی با دیگر اشعار پست مدرن دارد، گرچه در برخی محورها چون بازی‌های زبانی و وجه انتقادی و اعتراضی مطابقت‌هایی هم دیده می‌شود.

این نوشته در پی پاسخ به این پرسش است که آیا ساحت قدسی و شعر دفاع مقدس توانسته است قلمروی روزمرگی‌ها و عناصر مشمئزکننده و انتقادی شعر پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد؟ و دیگر این که ذهن این شاعران، علی‌رغم دگرگونه‌اندیشی و قدم برداشتن بر ضد کلیشه‌ها، شعارها و جریانات مرسوم شعری تا چه حد درگیر موضوع دفاع مقدس می‌باشد؟وتفاسیر آنها از این ادبیات چگونه است؟

در این تحقیق، ضمن بیان مختصری از ادبیات پایداری و دفاع مقدس به معرفی ویژگی‌های کلی غزل پست مدرن پرداخته می‌شود و با آوردن نمونه‌هایی از شعر شاعران پست مدرن با موضوع دفاع مقدس در پی اثبات فرضیه‌های متعدد سوال‌های فوق است. روش پژوهش مقاله‌ی حاضر به شیوه‌ی تحلیل محتواست.

ادبیات پایداری

ادبیات پایداری، عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی ، قانون گریزی و قانون ستیزی ومبارزه با پایگاه‌های قدرت و غصب سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه‌ی این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه‌ی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.

این مفهوم درادبیات ایران که با انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نمود بیشتری یافت ، همراه با خود، جریان نیرومند فرهنگی در حوزه‌ی شعر، قصه ، نمایشنامه ، نقاشی و ... را به وجود آورد که تجربه‌های تازه و بدیعی را در لابه‌لای شبکه‌ی عظیم فرهنگی کشور با خود به همراه داشت ومطالعه ، تحلیل ، تبین، بررسی ، نقد، شناخت و بازیافت این حادثه‌ی عظیم،

www.SID.ir

Archive of SID

در همه‌ی ابعاد بایسته و ضروری است (سنگری، ۱۳۸۰: ج ۱، ۹). نتایج این آثار، نوعی همدلی میهنی یا قومی در برابر تجاوز را در پی دارد که به عنوان ادبیات پایداری قابل طرح هستند. به عبارتی ساده‌تر، سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزان بود ، تحت عنوان ادبیات پایداری ومقاومت قابل تقسیم بندی است (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹).

ادبیات دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس به مجموعه‌ی نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون مایه و موضوع آن ، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر، می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ‌تر برای این عنوان تصور کرد ، با تکیه بر ویژگی‌های مقدس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی برای این نوشته‌ها و سروده‌ها می‌کند (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳ : ۱۵).

جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از بزرگترین رویداد ها و پدیده‌های تاریخ کشور در طول دو دهه‌ی گذشته بود که مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار داده است.از جمله یکی از این موضوعات مربوط به مقاومت می‌باشد. شاعران و نویسندگان در حوزه‌ی این مسئولیت نخستین آثار ادبی خود را با موضوعاتی چون میهن پرستی، آزادی‌خواهی، حق‌طلبی و دینداری ارائه کرده‌اند. در حوزه‌ی مسئولیت دوم، آثار ادبی آن‌ها دربردارنده ی موضوعاتی چون دعوت به مقاومت، توصیف حماسه‌ها و ستایش رزمندگان، تهدید به انتقام از دشمن و رجزخوانی است.

در حوزه‌ی مسئولیت سوم ،آثار ادبی شاعران مقاومت آراسته به موضوعاتی چون سوگنامه‌ی شهیدان، توصیف ویرانی و کشتار و سبعیت دشمن می باشد (کاکایی، ۱۳۸۰: ۲-۵۱).

همچنین شاعران از مضامینی چون: تشویق به دفاع از سرزمین اسلامی، استفاده از فرهنگ تشیع و نمادهای دینی مانند عاشورا، کربلا، شهید، امام حسین (ع)، امام علی (ع)، تقویت روحیه قهرمانی، لحن آهنگ تند و کوبنده، تصویر پردازی از مقاومت شهرها، تکریم از سربازان و مدافعان و... استفاده کرده‌اند. نظر به این که جنگ اصولاً مقوله‌ای حماسی و خشونت‌باراست، لحن این گونه اشعار نیز حماسی و هدف نهایی اشعار پیروزی بر جهان و دشمن است (حسینی، ۱۳۶۰: ۲۰).

در مجموع و در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اشعار دفاع مقدس را به مضامین زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- سروده‌ها و نوشته‌هایی که به ایستادگی در مقابل کشش سقوط آفرین روحی و معنوی دعوت می‌کنند.

۲- سروده‌ها و نوشته‌هایی که ما را در مقابل ستم و بیداد ستمگران بر می‌انگیزانند یا تصویری از بیداد زمان، هوشیاری و بیداری ترسیم می‌کنند.

۳- سروده‌ها و نوشته‌هایی که با تکیه بر اندیشه‌ها و آرمان دینی، تصویری از بیدادها و جنایات جهانی را ترسیم می‌کنند.

۴- سروده‌ها و نوشته‌هایی که به هشت سال دفاع مقدس و تبعات آن (بازگشت آزادگان، بازگشت پیکر پاک مفقودالاثرها، موضوع شهادت، بسیج و بسیجی‌ها، دلواپسی کمرنگ شدن ارزش‌های به یادگار مانده از شهیدان، رزمندگان و...) اختصاص دارد (سنگری، ۱۳۸۰، ج۳: ۱۷-۱۵).

www.SID.ir

Archive of SID

غزل پست‌مدرن

پست مدرنیسم یکی از اصطلاحات جدید در مطالعات فلسفی و فرهنگی است که دچار چنان تلقی‌های متفاوت و اغلب متضادی شده که گاه باعث سردرگمی پژوهشگران می‌شود و این سردرگمی موجب شده تا هاله‌ای از ابهام پیرامون این واژه تنیده شود (نجومیان، ۱۳۸۵: ۷). پیش‌تر این اصطلاح عمدتاً به عنوان مقوله‌ای دانشگاهی و مرتبط با تحولات خاصی در عرصه‌ی ادبیات و علوم انسانی به کار می‌رفت، اما خیلی زود به اصطلاحی توصیفی برای انواع تغییرات مطرح‌شده در عرصه‌ی فرهنگ و جامعه‌ی معاصر تبدیل شد. برای مثال، یک استدلال این بود که مردم دیگر به پیشرفت تکنولوژیک اعتقادی ندارند و از آن جا که اعتقاد به پیشرفت تکنولوژیک به یک دوره‌ی مشخص تاریخی مدرنیستی تعلق دارد، تصور بر این بود که اصطلاح پست مدرنیسم می‌تواند عصر جدید ما را که عصر سرخوردگی و ناامیدی است، به نحو شایسته‌ای توصیف کند (وارد، ۱۳۸۷: ۱۴).

به لحاظ اندیشگانی نیز، از آن جا که نام این نوع شعر با فلسفه‌ی پست مدرن عجین شده است، ویژگی‌های این تفکر را در خود دارد. شاخص‌ترین مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم فرانسوی را این موارد دانسته‌اند؛ تحقیر و توهین بیرحمانه‌ی مفاهیم و مقولاتی چون روشنگری، اومانیسم، ایده‌ی حقوق بشر و چیزی که به نظر می‌رسد کلّ حیات و تفکّر مدرن به شمار آید. البته ویژگی‌هایی در پست‌مدرن هست که روشنگر این نکته می‌باشد که این جریان بیشتر نوعی ذهنیّت است تا نظریه، سفسطه‌ها و پیچیدگی‌های عمده، گزافه‌گویی، ابهام و ایهام، مجاز و تمثیل، کنایه، استعاره، طنز، هزل و هجو، شوخی، تقلید و تصنّع، شبیه‌سازی و گرته‌برداری، یکنواختی و سادگی احساسی، احساس کسالت و رکود، دلمردگی و افسردگی، سکوت، نفرت و بیزاری از زندگی، احساس خستگی مداوم (حتی در جوانان)، اطمینان از این که هر چیزی که می‌توانست رخ دهد، قبلاً روی داده و نباید منتظر حوادث غیرمترقبه بود (نوذری، ۱۳۷۹: ۳-۴۰)، که تطبیق محتوایی بسیاری با مفاهیم موجود در این نوع شعر دارد.

برخی از محققان با اذعان به ویژگی‌های خاص شعر پست‌مدرن مانند کشف دنیای جدید، یک تفسیری نبودن شعر، عقلانی نبودن، به دنبال بیان احساس بودن و تمایزگرایی نه تضاد و تقابل‌گرایی، با این جریان موافق هستند و بر این باورندکه آزمایش‌های خوبی در این سبک‌های جدید انجام شده است و می‌توان امید داشت که از بطن این جریان، شکوفایی بهتر و کاملتری به وجود آید (دستغیب ،۱۳۸۰).

یکی از شاعران معاصر، محمدعلی بهمنی در مقدمه‌ی کوتاهی که بر ***مجموعه آثار برگزیده‌ی نخستین جشنواره‌ی غزل پست‌مدرن*** نوشته است، ظرفیت‌های این شعر را تحسین و رهایی این جماعت را از کلیشه‌ها تأیید می‌کند (صحرایی، ۱۳۸۶: ۳). در مصاحبه‌های مختلفی هم که درباره‌ی غزل پست‌مدرن داشته، نوعی از همراهی را در رفتار و گفتارش می‌بینیم (ر.ک. موسوی، ۱۳۸۶: ۶).

و اما در باب تردیدها و تأییدها بر شعر پست مدرن چنین می‌گویند: مدرنیت شعر امروز فرایند نقد مؤلفه‌های مدرنیته از سوی مدرنیسم است. بدین ترتیب مدرنیسم و پست مدرنیسم، داعیه‌های دوران مدرن و تبعات آن را به ویژه در جوامع پیرامونی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند. بنابراین بخشی از متفاوت‌نویسیِ شعر امروز، معطوف به نقض مسلمات دیکته شده از سمت شعر مدرن موجود است که همچنان تقابلی می‌نگرد. شعر نو که به تدریج مدرن نامیده شد، در واقع فرایند تأمل بر اشکال و مؤلفه‌های زیبایی شناختی هنری دورانی است که ابعاد علمی- صنعتی آن را عیناً و عمیقاً درک و درونی نکرده بودیم. ظاهراً ما از راه رشد کنارگذر به شعر مدرن دست یافته‌ایم (باباچاهی، ۱۳۸۲).

www.SID.ir

Archive of SID

هم‌چنین بر خلاف منتقدانی که مؤلفه‌های شعر پست مدرن را قابل تعریف نمی‌دانند، جوان‌بخت اذعان دارد که در شعر پست مدرن ساختار منسجم و همگنی نیست، ولی تعریف‌های مشخصی از مؤلفه‌های آن موجود است؛ ساختارشکنی برآمده از پساساختگرایی، نگاه متفاوت، چندصدایی، بازی‌های زبانی و تصویر اسکیزوفرن. وی بر قابلیت‌های زبان فارسی در زمینه‌ی فعل سازی و واژه سازی تأکید می‌کند که این مسأله امکان و ظرفیت بسط تجربه‌های پست مدرنیستی را بالا می‌برد (شفاعی، ۱۳۸۴).

پیشینه ی تحقیق

به لحاظ نظری، در کتاب‌هایی که به بررسی شعر امروز پرداخته‌اند، تقریباً هیچ بحث جامعی به این موضوع اختصاص نیافته است؛ از ***تاریخ تحلیلی شعر نو*** شمس لنگرودی (۱۳۷۷)، ***مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران*** حقوقی (۱۳۷۷)، ***شعر و شناخت*** موحد (۱۳۷۷)، گرفته تا***گزاره‌های منفرد*** باباچاهی (۱۳۸۱).

در تحلیل و نقد اشعار دفاع مقدس و بیان ویژگی‌های خاص، قوالب و انواع شعر در این حوزه مقاله‌ها و کتاب هایی نوشته شده است. هم‌چنین در باب غزل پست مدرن و مفاهیم و ساختارهای آن مقالات و نقدهایی موجود است، اما درباره‌ی موضوع دفاع مقدس در غزل پست مدرن تا جایی که نگارندگان پژوهش کرده‌اند، هیچ مقاله و نوشته ای موجود نیست.

دفاع مقدس در غزل پست مدرن[۳]

شعر پست مدرن به دلیل ویژگی هایی تابوشکنانه، سخن اعتراضی، عدم انسجام و قطعیت، بازی‌های زبانی و ... کمتر در موضوع جنگ که حیطه ای با حریم‌های ویژه و مقدس است، وارد شده است. البته فاصله تاریخی سرایش این اشعار با خاتمه‌ی جنگ و سال‌های نزدیک به آن و وارد شدن موضوعات و مضامین اجتماعی حتی در موضوع دفاع مقدس نیز از شاخص‌ترین دلایل عدم ورود شاعرانی از این دست در این باب است. با وجود این، در اشعار شعرای پست‌مدرن، تجربه‌های مختصری در باب شعر دفاع مقدس و سیر تکوینی آن با موضوع دفاع مقدس یافت می‌شود که نشانگر توجه این گروه به یکی از جریان‌های اساسی ادبیات معاصر ایران یعنی شعر و نثر دفاع مقدس است.با این حال تفاسیر متفاوتی از موضوع جنگ و صلح و مضامین مرتبط با آنها در اندیشه های این گروه یافت می شود که عمده ی آنها در جهت حفظ حریم های متعالی این عرصه است و برخی نیز به رویکرد مخرب جنگ به معنای واقعی کلمه و برخی بحران ها وآسیب های انسانی آن پرداخته اند که هرگز به معنای نفی ارزشهای دفاع نمی باشد و نوع نگاه انتقادی ایشان در این باب به شدت بعضی موضع گیری های نقادانه ی آنها در دیگر مسائل اجتماعی نیست. از سوی دیگر، با مطالعه و تحقیق در آثار شاعران پست مدرن با این موضوع به نگاه دیگری از مسأله ی جنگ می رسیم و آن نزدیک شدن به ادبیات جنگ است. ادبیات جنگ را شامل آن دسته از آثاری می دانند که هم مستقیما به توصیف جنگ و وقایع و رزمندگان می پردازد و هم آن دسته که غیر مستقیم مسائل مربوط به جنگ، نظیر مهاجرت، بمباران شهرها، خانواده‌ی رزمندگان و ... را توصیف می کنند.(صنعتی ، ۱۳۸۹ : ۱۲) برخی نیز توصیف و تحلیل مسائل و تبعات پس از جنگ را از مقوله ی ادبیات جنگ می‌دانند. (کوثری ، ۱۳۷۹ : ۱۰۰)

حفظ حریم های متعالی در شعر دفاع مقدس پست مدرن

یکی از عرصه‌های معمول در غزل پست مدرن ورود به قلمرو تابوهاست که در شعرهای شاعرانی چون منصوره حکمت شعار، فاطمه اختصاری، الهام میزبان، وحید نجفی، محسن عاصی، محمد حسینی مقدم و زهرا گریزپا فراوان دیده می شود.

www.SID.ir

Archive of SID

البته یکی از تفاوت‌های اشعار به ظاهر تابوشکنانه‌ی گریزپا با دیگر شاعران در این است که در برخی موارد هدف وی تأیید شکستن این حریم‌ها نیست بلکه توصیف این تابوشکنی با بیانی تلخ و گزنده است. وی در مجموعه‌شعر ***استکانی کنار بعدازظهر*** به آوردن این گونه اشعار می‌پردازد. در این مجموعه با بیانی تلویحی و تلمیحی، با بسامد بالای مضامین تابوشکنانه در سطح توصیف و گاه انتفاد و عصیان مواجه هستیم.در همین مجموعه با نمونه ای زیبا ولطیف با موضوع دفاع مقدس مواجه می شویم:

قرآن و ظرف آب ... [شده راهی سفر]
مردی که هیچ وقت نترسیده از خطر
با کوله پشتی همه‌ی خاطرات شهر
از ذهن کوچه می رود آهسته رهگذر
انشای تازه ای شده آن بغض کهنه را
[دختر که تکیه داده به دیوار پشت در]
با یک هجای خیس که در وقت رفتنت
لب های خشک باغچه را گریه کرده تر
حالا درام مشق شبش خط خطی شده
حالا مداد مشکی او هر چه سرخ تر
از روزهای حادثه و خون نوشته است
از انفجارهای شب حمله تا سحر
از لحظه‌ی کشیدن یک لاله غرق خون
او دیده توی دفتر نقاشی اش پدر
(یک آسمان پرنده شده رفته او به اوج
یک آسمان نسیم که آورده چند پر)
او دیده باز می شده یک در به آفتاب
از تیر و ترکشی که فرو رفته در کمر
برگشته سر بلند به سمت طلوع شهر
برگشته مرد با تن زخمی بدون سر
سجاده ای که پهن شده روی خاک و خون
سجاده ای که گریه کند از تو بی خبر
با قاب عکس خیس پدر روی طاقچه
بغضی که مانده در دل این شهر در به در
یک دختر شکسته که انگار در حیات (ط)
او یک درخت گل شده در مشت یک تبر
اما چه سر بلند هنوز ایستاده است
با یک پلاک خسته که برگشته از سفر.

(گریزپا، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۰)

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
پژوهش های زبان و ادب فارسی
انجمن ترویج زبان و ادب فارسی

www.SID.ir

Archive of SID

از شاخصه‌های زبانی این غزل ترکیب‌های ساخته شده توسط شاعر است که در کمتر شعری از وی دیده می شود: ترکیب هایی چون ذهن کوچه، بغض کهنه، هجای خیس، لب‌های خشک باغچه، یک آسمان پرنده، یک آسمان نسیم، طلوع شهر، قاب عکس خیس، مشت یک تبر، پلاک خسته و ... که گاه بدیع و اغلب آن‌ها زیبا می‌نمایند.

مهم‌ترین ویژگی تکنیکی شعر گریزپا، فضاسازی داستانی آن است؛ شعر روایت جبهه رفتن مرد و تصاویر ذهنی دختر او از آغاز سفر تا شهادت وی در قالب توصیف قاب عکس مرد بر طاقچه و پلاک به عنوان تنها نشانه‌ی اوست.

گرچه دیگر اشعار این شاعر معمولاً با روایت‌های هنجارشکنانه همراه است و عرف‌ها و سنت‌های اجتماعی را به چالش می‌کشد، در این شعر که اختصاص به دفاع مقدس دارد، آن ویژگی‌ها رنگ می‌بازد. شاعر با آوردن «قرآن» و «ظرف آب» که در سنت فرهنگی ما دو عنصر مهم بدرقه‌ی مسافر به شمار می‌رود، شعر را آغاز می کند. پس از آن ... می‌گذارد تا بقیه‌ی فضاسازی را که می‌تواند عبارت باشد از اشک و آه و دعا و روبوسی بر عهده‌ی تخیل مخاطب بگذارد.

در ادامه، شاعر خاطرات شهر را در سفری که برایش بازگشتی نیست، در کوله‌پشتی رزمنده جا می‌دهد و او آهسته آهسته چونان رهگذری از کوچه و ذهن و خاطرِ کوچه عبور می‌کند. در این جا ما با صنعت تشخیص یا جاندارانگاری مواجه هستیم؛ کوچه موجود صاحب عقل و ذهنیتی است که مسافر اندک اندک از ذهن او هم فراموش می‌شود و یا صورت خیالین مجاز است تا مراد ذهن اهالی کوچه باشد که رزمنده را رفته رفته فراموش می‌کنند و این جنبه‌ی تلخی از تفسیر رزمنده بودن و شهادت درفضای امروز است.

در بیت سوم صحنه‌پردازی بسیار زیبای دخترکی که به دیوار تکیه داده است، می‌آید؛ دخترک که مغموم از رفتن پدر حتی حاضر نیست بیرون در، در میان مشایعت‌کنندگان رزمنده باشد، دخترکی که هر بار بغض کرده و این بغض رفتن پدر کهنه و قدیمی است که نشانه‌ی تکرار جبهه رفتن وی است. این بار آخرین بغض او تبدیل به انشایی می‌شود تا سر کلاس خوانده شود. پس از رفتن پدر، بغض دختر می‌شکند و با هجای خیس که همانا گریه‌ی به آواز است، لب خشک باغچه را آبیاری می‌کند.

نشانه‌ی اضطرابی که در هجران پدر، دختر را گرفتار کرده، در خطخطی شدن مشق‌هایش نمود پیدا می‌کند و در انشایش مداد سیاه به مدادی سرخ که نمادی از خون شهید است، تبدیل می‌شود و «از روزهای حادثه و خون می‌نویسد». در دفتر نقاشی او هم سمبل پدر به صورت کشیدن لاله‌ای که غرق خون است، جلوه می‌کند؛ دفتر مشق و دفتر انشا و دفتر نقاشی و کل فکر و فضای ذهنی و عینی دخترک را یاد پدر پر کرده است.

بیت بعدی توصیف نقاشی دختر است: گویی دخترک در صفحه‌ی سپید دفترش پدرش را کشیده که در پهنای آسمان بدل به پرندگانی شده که اوج گرفته‌اند و به ملکوت می‌روند و آنگاه نسیمی به وسعت کهکشان آمده است تا برای او تنها چند پر از آن دسته‌ی عظیم پرندگان به یادگار بیاورد. این چند پر بازمانده از دسته‌ی پرندگان معادل سمبولیک پلاکی است بازآمده از پدر که در بخش پایانی غزل توصیف می‌شود.

تصویر سوررئال بسیار زیبای دیگر در بیت نهم این غزل-حکایت می‌آید؛ راوی از زاویه دید دخترک در لحظه‌ای که تیر و ترکش به کمر رزمنده اصابت کرده، دری نورانی را ترسیم می‌کند که به روی خورشید گشوده شده است و این نیز تصویر مرکّب و نمادین وصال پدر به حقیقت مطلق است که با گزینش نماد آفتاب بیان شده است.

در بیت دهم، راوی توصیف برگشتن رزمنده‌ی سربلندی که سر ندارد را می‌آورد؛ پارادوکسی مثال‌زدنی که تنها در چنین روایت‌هایی می‌توان از آن‌ها سراغ گرفت؛ «مردی که سر ندارد اما سربلند است». در بیت یازدهم سجاده بر روی مزاری که خون با خاکش آمیخته، پهن شده است و بر شهادت پدر می‌گرید. در این جا نیز ما با مجازی زیبا روبه‌رو هستیم؛ سجاده‌ای که مجاز از نمازگزار می‌تواند باشد و هم سجاده‌ای که خود جاندار است (صنعت تشخیص) و می‌تواند گریه سر

www.SID.ir

Archive of SID

دهد. اینک این دخترک است با قاب عکس پدر در آغوش که از گریه‌های او خیس شده و طاقچه را زینت بخشیده است و شهری که بغضش را در سوگ شهدا نگشاده است و از این روست که دربه‌در و آواره است که باز شهر مجاز به علاقه‌ی حال و محل شهروندان هستند. شهروندانی که به دلیل توفیق نیافتن به شناخت شهدا، سعادت گریستن برای آن‌ها را نیافته و با بغضی در گلو (شناختی ناتمام) سرگردان و آشفته‌اند.

صحنه‌ی پایانی این غزل روایت تصویر ملول دخترک است که شکسته و پژمرده ولی در عین حال استوار ایستاده است و سربلند و راست قامت مصمم است راه پدر را ادامه دهد و آرمان‌های او را حفظ کند. این پیام با تصویرسازی‌های تشبیه دختر به درخت گل که در مشت تبری نابودگر است، نموده شده است. اما این تبرِ فقدان پدر که فشاری روحی و معنوی را بر وی تحمیل می‌کند، قادر به از پای درآوردن او نیست، چرا که دخترک با پلاک خسته‌ای که از جبهه برگشته است همچون پدر سربلند ایستاده است. تیر و ترکش و خمپاره ای که سر را از تن پدر جدا کرده اکنون به صورت سمبولیک در هیأت تبری نمودار می‌شود تا دخترک را نیز به افسردگی و پژمردگی بکشاند، ولی او به کمک یادگار ارزشمند او که همانا پلاک خسته‌ی اوست، از این دام به سلامت و سربلندی رهایی می‌یابد.

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲ فارسی پژوهی

انعکاس مسائل اجتماعی در شعر دفاع مقدس پست مدرن

در برخی اشعار پست مدرن، شاعران با عصیان و اعتراض و گاه با کلماتی سخیف و خلاف ادب از جریان‌های اجتماعی سخن می‌گویند، اما در اشعار پست‌مدرنی که در موضوع جنگ، شهید و شهادت سروده شده است، هر چند که جلوه‌های غمگنانه‌ی اجتماعی جنگ به تصویر کشیده می‌شوند، لحن و واژگان همچنان در فضایی متعالی حفظ می‌شوند و استعارات و تشبیهات ساختارشکنانه نیز در همان مجموعه‌ی نمادها و حرمت‌های خاص باقی می‌مانند:

نامه

باری پس از سلام و باز امسال، ما حجله‌ی تو سبز به پا کردیم
ماه حسین هم علمی نذرِ چاووش خوان کربلا کردیم
داداش اکبر! آن همه می‌گفتی، یک جین
فشنگ داری و یک برنو
آن قدر کبک آمده بود این برف، آن قدر صبر و حوصله ما کردیم
یادت میاد تیر و کمانت را، آن ظهر آفتاب – پلنگی که
چشم دوتا قرابه‌ی بی‌بی را، نذر دو قلوه سنگ سیا کردیم؟
طعم حرام لنگه‌ی دمپایی، من که هنوز سوزش دردش را
حس می کنم به روی مچ پایم، اما چقدر خنده خفا کردیم
این را ستاره گفت که بنویسم؛ داداش جان سلام برای من
یک قلک بزرگ بخر آن را، مادر شکست رفع قضا کردیم
مادر برات دختر خاتون را، انگار پا پیاده طلب کرده
اصلاً به فکر نیست که ما یک شخم، نصف زمینشان به کرا کردیم
دیگر نه هیچ بع بع بزغاله، نه هی هی صبور رسیدن هات
امسال باز آغلمان خال ست، تنها به نانِ تابه رضا کردیم
داداش جان! تو را به علی برگرد، مادر شکسته شد کمرش از درد
از بس که پشت شیشه زدی لبخند، از بس به قاب عکس تو ها کردیم.

www.SID.ir

Archive of SID

(حکمت‌شعار، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۴).

راوی در غزل نامه، خواهر شهید است. این غزل در میان اشعار پست مدرن حکمت شعار در مجموعه‌ی ***باروت حرف‌های پس از برف*** کمی بیگانه می‌نماید. حال و هوای آغاز غزل روایت یادآور فضای عاشورایی اشعار دفاع مقدس است. ابیات بعدی تداعی‌گر خاطرات این خواهر، و برادری است که به جبهه رفته، خاطراتی طنزآمیز و شیرین با فضایی نوستالژیک که البته صمیمیت بیش از حد آن در کنار حجله‌ی سبز برادر دردناک و غم‌انگیز جلوه می‌کند.

در ابیات دیگر، این چنین می‌نماید که فقدان برادر بر ابعاد اقتصادی خانواده تأثیری شگرف داشته است:

یک قلک بزرگ بخر آن را، مادر شکست رفع قضا کردیم

امسال باز آغلمان خال ست، تنها به نانِ تابه رضا کردیم

به بیان دیگر، شاعر با زبانی ساده و گاه شکسته می‌خواهد به بعد اجتماعی جنگ بپردازد. در رویکرد جامعه‌محورِ اشعار و داستان‌های جنگ شاعر یا نویسنده بیانگر تبعات اجتماعی و کاستی‌ها و بحران‌های ناشی از آن است بدون این که بخواهد به حریم دفاع مقدس آسیب بزند یا ارزش‌های آن را نادیده بگیرد.

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
فارسی ایران

توصیفی از بحران های انسانی در شعر پست مدرن

یکی از رویکردهای جدید در آثار دفاع مقدس و جنگ، مفاهیمی هستند که محور آنها ارزش های والای انسانی است. این رویکرد به انسان در جنگ و انسان برآمده از آن می پردازد. در این آثار جنگ از روایت های کلیشه ای به در می آید و به سمت یک معنای مدرن و نو حرکت می کند و سخن از فضاها و ماجراهایی به میان می آید که پیش از این تابو بوده است. این تابوها شامل ترس، خشونت و از همه مهم تر تنهایی انسان است و سربازان و بازماندگان از جنگ را در موقعیتی روان شناختی قرار می دهد که در آن جایی برای رویاپردازی و تکرار کلیشه های رایج نیست و از مضامین عمده این رویکرد اعتراض به سرنوشت انسان های شرکت کننده در جنگ است. به همین دلیل برخی از عنوان ادبیات اعتراض برای نامیدن آن استفاده کرده اند.(سعیدی ، ۱۳۸۵: ۲۸)

در شعری دیگر از حکمت شعار، مفاهیمی که والا و محترم هستند، چنان ظهور می‌یابند که خواننده دچار تضاد ادراکی می‌شود و ناهماهنگی‌ای که در مفهوم و تلقی و ارائه‌ی آن وجود دارد، برایش عجیب و غریب می‌آید. خانواده و رابطه‌ی پدر و مادر در زمان جنگ در خانه‌ای دلهره‌آور تصویر می‌شود:

نفسش واهمه در دخمه‌ی جن می‌انداخت	خبر مرگش، استامینوفن می‌انداخت
دلش از حلق به پس‌لرزه‌ای از خون می‌ریخت	و صدایش بمی از زلزله بیرون می‌ریخت:
- زن از اون زهر گیاهی تُف تلخی مونده	ته اون فنجون، فیل‌افکنی از جوشونده
داس در خوشه کش مزرعه ... فانتوم به زمین	سر صد مرد ویتنامی گوم گوم به زمین
خورد و ناگاه زمین چادر سرخی شد، بمب	و پدر ترکش زد: هی زن لکاته بجنب

(حکمت‌شعار، ۱۳۸۴: ۱۱-۹)

راوی در توصیف دارو خوردن پدر، از اصطلاح دشنام‌آمیز «خبر مرگش» که نشان از بی‌علاقگی به بودن شخص در زندگی‌اش است، استفاده می‌کند. مرد که اعتیاد دارد و دچار بیماری تنفسی است، خطاب‌های زشت و بی ادبانه به زن دارد. ما در این غزل به‌شدّت با تلاقی ضدین مواجهیم؛ شعر فضایی را ترسیم می‌کند که سرشار از فقر اقتصادی و فرهنگی است،

www.SID.ir

Archive of SID

در حالی که در شعرهایی از این دست، معمولاً بر معصومیت خانواده و تقدس جنگ تأکید می‌شود و نابودگری جنگ که آتش بر آرامش خانه‌ها انداخته است.

پرتوهایی که تا به حال بر نمایش دادن بمباران و جنگ افکنده شده بود، خواه ناخواه می‌خواستند مظلومیت ملت و بی‌گناهی و پاکی و نابود شدن انسان‌هایی ارزشمند را به تصویر بکشد، اما در این غزل جهان آن خانواده «بی هیچ دخل و تصرفی در پرتوی جدید عرضه شده است» و این به ما این اجازه را می‌دهد که دوربین دیگری در دست بگیریم و زاویه‌دید تازه‌ای را تجربه کنیم. و یا به قول تامسن از خود می‌پرسیم که چرا چنین مسایلی با این لحن شوخ‌طبعانه وبی ادبانه ارائه شده‌اند و آن را اهانتی به حساسیت اخلاقی خود تلقی کنیم.(تامسن،۱۳۹۰ : ۳۴) در همین محور انسانی می توان از غزلی دیگر یاد کرد:

دلخوشی

واسه دلخوشیه تو همیشه همراهم
تولباسم یه دونه قرآن جیبی دارم
وقتی روبروم نشستی و می خندی
نمی فهمم تو سرم یه ترکش قدیمی دارم
همه چی خوبه برام تا وقتی یاد
شیمیایی و هوای سمیه مجنون می افتم
وقتی شب روشن شد و هوا سیاه بود
یاد بوی تازه از فواره های خون می افتم
یاد شب های جدایی ساختمونای دو کوهه
یاد هم سنگریام که تیکه پارن
وقتی باز صدای خمپاره میاد و
می بینم رفیقامو ، که سر ندارن
دستامو وقتی می لرزم بگیر و گریه نکن
همه چی درست می شه فقط بخند ، گریه نکن
اگر دیدی نمی تونی بمونی کنار من ، گریه نکن
برو و تنهام بذار ، درم ببند ، گریه نکن
این اتق مثل یه سلوله و من قربونی ام گریه نکن
حالم از دنیا گرفته و دیگه مردنی ام گریه نکن
وقتی حتی آینه ها دارن بهم دروغ می گن
می تونم حدس بزنم که وقتشه ، رفتنی ام گریه نکن
تو با من خوبی و جز دستای تو
هیچ کسی نمی دونه چی می کشم
هر کسی رد می شه با یه حس بد
خیره می شه به من و بغض چشم
واسه دلخوشیه تو نمی تونم
جلوی رعشه ها مو بگیرم
دست من نیست به خدا ، برو نمون

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

www.SID.ir

Archive of SID

واسه خوش بختیه تو خیلی دیرم
وقتی کلمو به دیئار می کوبم
یا هوا توی گوشم سوت می زنه
نمی خوام فدای حال من بشی
جلو چشمات شوهرت جون بکنه
دستامو وقتی می لرزم بگیر و گریه نکن
همه چی درست می شه فقط بخند ، گریه نکن
اگه دیدی نمی تونی بمونی کنار من
برو و تنهام بذار ، درم ببند ، گریه نکن .

(صدیق، ۱۳۸۷: ۸۸)

این شعر تصویرگر جانبازی شیمیایی است که در سرش، ترکش دارد. شعر که خطاب به همسری مهربان سروده شده است و در عین حال بیانگر صحنه هایی دردناک، گاه ارزش محور و گاه انتقادی است و مرد جانباز به علت حمله های عصبی و رعشه هایش را تصاویر ذهنی ای می داند که در آن سنگرهای تیکه پاره و یاران بی‌سرش را می بیند و در عین حال در تصویر امروزش آیینه ایی که به دروغ می گویند و دنیایی که می خواهد هر چه زودتر آن را ترک کند.

این شعر ، دغدغه و نگرانی جانباز است از اینکه بیماریش ، همسرش را آزار می دهد و چشم هایی که با نگاه ترحم انگیز او را می نگرد و جهانی که با ارزش های درونی او و شب های جدایی دو کوهه و سنگرهای متلاشی شده و هوای سمی مجنون کاملا بیگانه است. به این ترتیب می توان بیگانگی و جدایی را اصلی ترین دونمایه‌ی این شعر دانست. جدایی از یاران سفر کرده و بی سر و بیگانگی با آدم های امروز که بیماری انسان های عمیق و بزرگی چون او را آزار دهنده تر می کند و درد و زخم و ترکش سرش را تحمل ناپذیرتر و در نهایت جدایی از همسر که همان گمان می کند وجودش برای او ایجاد مزاحمت کرده است.

این شعر به جهت ایجاد ارتباط ساده تر و صمیمی تر کردن انتقال پیام ، با زبانی شکسته روایت می شود و لحن محاوره ای و گفتگویی به خود می‌گیرد. راوی اول شخص است و برای مخاطب متصل اما حاضر در روایت ، نقل می شود. شاعر در این شعر گویا بیشتر به گفتن درد دلهایش نظر دارد و در پی ردیف کردن بازی های زبانی و شکست روایت و فرا ادبیات نیست.

گویی زمانی که شاعر از تجربه های شخصی و ملموس زندگی اش می نویسد، دیگر در اندیشه‌ی شگرد و تکنیک و سبک نیست، همان محور که در اشعار کلاسیک هم با آن مواجه می شویم. خاقانی آنگاه که قصیده می‌سراید از تمامی ابزارهای زبانی و بیانی کمک می گیرد تا به پیچیده ترین فرم سخنرانی دست یابد اما آنگاه که برای مرگ فرزندش شعر می سراید به ساده ترین شکل سخن ، بیان احساسات می کند و یا در غزلیات که باز هم از عواطف نهانی سخن به میان می آید وی شیوه اش بسیار متفاوت از قصایدش است.

در این شعر هم چنین اتفاقی افتاده است. حرفی از هجو، بینامتنیت، اقتباس، عدم قطعیت، پراکندگی و ... نیست. این شعر روایی با جمله‌هایی کوتاه اما به هم پیوسته به جلو می رود و از ابتدا لحن مخاطب خودنمای می‌کند وجود قرآن جیبی که برای دلخوشی مخاطب برای حفظ سلامت راوی ست، وضعیت اولیه توصیف وضعیتی سفید و متعادل است ، راوی زمانی که با مخاطب -که همسر وی است- نشسته و گفتگویی بگو و لبخندانه دارند ، حالش خوب است، اما بر هم خوردن این تعادل زمانی است که راوی یاد هوای سمّی شیمیایی جزیره‌ی مجنون می افتد و فواره‌های خون و همسنگرهای تکه

www.SID.ir

Archive of SID

تکه شده و رفقایی که سر از بدنشان بر اثر خمپاره ها جدا شده است. اوج بحران روایت زمانی است که راوی شروع به لرزش می کند و به همسرش توصیه می‌کند که فقط دست های او را بگیرد و گریه نکند. راوی می‌داند که شدت آسیب وی از فضای جنگ به حدی است که امیدی به زندگی نمی‌تواند داشته باشد ، ضمن این که در کل به این نتیجه می رسد که در دنیای خوبی زندگی نمی‌کند که ارزش دلبستگی داشته باشد. عبارت «واسه دلخوشیه تو» که سر آغاز شعر است، در بخش پایانی شعر تکرار می‌شود، منتها با این تفاوت که در آغاز شعر با معنی مثبت همراه بود و آن داشتن قرآن جیبی برای حفظ و حصانت از راوی است ولی در بخش پایانی شعر این عبارت با معنی منفی همراه است؛

واسه دلخوشیه تو نمی‌تونم جلوی رعشه‌هامو هی بگیرم

و بر خلاف بخش آغازین شعر که رفتن موقتی همسرش را می‌خواهد، در بخش پایانی صحبت از هدر ندادن خوشبختی همسر به پای راوی است: «دست من نیست به خدا، برو نمون / واسه خوش بختیه تو خیلی دیرم » و یا «نمی‌خواهم فدای حال من بشی».

و اما نکته‌ی کلیدی و ساختاری روایت شعر بیت آخر است -که البته ما بیشتر در بخش میانی آن را داشتیم- اما این بار این بیت مقطع شعر است و پس از آن روایت پایان می پذیرد و نشان از رفتنی همیشگی دارد؛

«اگر دیدی نمی تونی بمونی کمار من ، گریه نکن برو و تنهام بذار، درم ببند، گریه نکن»

چنان که ملاحظه می شود در میانه‌ی شعر پس از این بیت ، صحبت از اتاقی است که راوی می خواهد در آن تنها باشد و در ادامه درد دلهایش را می گوید اما در بیت آخر، توصیه‌ی نهایی را به مخاطبش می‌کند. تعبیر «همه چی درست می شه» که پیش از بیت پایانی آمده است می‌تواند صورت دیگر «وقتشه، رفتنی‌ام» باشد که به معنی «درست شدن امور و رهایی هر دوی آن‌ها بر اثر مردن راوی» وی است و این نکته تعادل دوباره‌ی روایت است.

روایت های غنایی کلاسیک در شعر پست مدرنی دفاع مقدس

معشوق غزل های پست مدرن بر خلاف معشوق غزل های کلاسیک فارسی چندان فاخر و عزیز و محترم نیست وعاشق به کوچکترین بهانه ای او را در ازدحام معشوقکان دیگر به فراموشی می سپارد وگاه دشنام های سخیفی هم بدرقه‌ی راهش می کند. اما در شعر پست مدرن با موضوع دفاع مقدس،معشوق به خاطر ایثارها وارزشهایش تعالی می یابد. غزل زیبای زیر ضمن توصیف فضاهای اندوهبار جنگ وپس از آن،از حس عمیق رزمنده نسبت به تنهایی معشوق خود حکایت می کند:

هلیا

روی زخمم ببند هلیا جان! گیسوان سپید پرپر را
در رگ من مگر که لخته کنی خون این جنگ نا برابر را
روی زخمم ببند هلیا جان، از همان تار موت از آن حرز
روز اول به بازویم بستی ، گریه کردی مرا – مقدر را –
روی زخمم ببند از آن مو ، توی نامه همیشه می دادی
- از همان تیره های طولانی – نیمه شب مویه های سنگر را
روی زخمم ببند و ضجه بزن زخم های عمیق من را / نه
روی زانوی ناتوان پدر ، خواهر و مادر و برادر را
هی خودت را نشستی و خوردی ، گونه هایت شکست و گود افتاد
سالخورده شدی و سیر شدی روزهای بدون شوهر را

www.SID.ir

Archive of SID

و چه شب ها کنار پنجره ات ، گوشه‌ی خود دوباره کز کردی
چشم بستی و باز خوابیدی خالی ناامید بستر را
بالشی در کنار بالش من می گذاری و خواب می بینی
نعش کش های گیج بی سر را ، دست های بدون پیکر را
می پرم و کنار پلک خودم چکه چکه دوباره می ریزم
بر جسد های ریش ریش شده چشم های دریده را تر را
جنگ یعنی همین به سینه‌ی من یک ردیف گلوله خط بکشد
جنگ یعنی همین که یک کفتار در بیارد صدای کفتر را
گفتی اما که آسمان کمی ست ، می پری و دوباره می افتی
و شهاب گلوله می خوردت مثل سنگ ستاره می افتی
گفتی اما چیز خوبی نیست جنگ ، یعنی تنور خود سوزی
این که تو در ردیف پیراهن دکمه های گلوله می دوزی
این که تو – این چهار شانه یل – بروی و «پلاک» برگردی
توی تابوت «استخوان و خاک» سمت این آب و خاک برگردی
گفتی اما .... و تو دلت خون بود ، هق هق ات زیر چارقد پیدا
توی گریه به بازویم بستی حرزی از گیسوان پرپر را ...
من کنار « فروغ » می خوابم ، تو ولی «جنگ و صلح» می خوانی
می روم توی فکر هلیا جان این شب خط به خط مصور را .

(میرزایی ، ۱۳۸۸ : ۴۷)

دانشگاه زنجان
۱۲-۱۵ شهریور ۹۲
انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

غزل در فضای غنایی متفاوت با غزل های غنایی دفاع مقدس است. گرچه این نوع متفاوت سرایی و تسامح در صفت ها، در حوزه‌ی ساختار و معنا، در شعر برای نسل سوم و چهارم انقلاب هم دیده می شود، اما این سنت گریزی و لحن اعتراضی شاعران در منظومه‌ی معنایی کلی اشعار انقلاب و دفاع مقدس قرار می‌گیرد. این مواضع اعتراض و انتقاد عبارتند از: «اعتراض به سکوت جهانی، انتقاد از دگرگونی ارزش‌ها، شکوه از تجمل‌گرایی و دیناطلبی، اعتراض بر بی دردی، مذمت اهل ریا و فرصت طلبان، شکوه از فریبکاری، شکوه از فراموشی گذشته و...

از جمله شاعران منتقد با مضامین فوق می توان افرادی چون علیرضا قزوه، محمد کاظم کاظمی، مصطفی محدثی، محسن حسن زاده سلیم کوهی و سید ضیاء الدین شفیعی را نام برد (کافی ، ۱۳۸۹ : ۱۵۵- ۱۶۲). در این غزل از جنگ نابرابری سخن گفته می شود که می تواند به مفهوم تجاوز دشمن و دفاع مقدس اشاره داشته باشد. فضای غزل، فضایی کاملا انسانی در مواجهه با پدیده‌ی جنگ می‌باشد. نگاهی که برخی شاعران معاصر در رویکرد انسان محور به جنگ داشته اند، از این نگاه، گزاره های و مفاهیم شعر کاملا وابسته به مضامین ارزشی و گاه کلیشه های تکراری اشعار دفاع مقدس نیست. این نوع نگاه در طیف های گوناگونی قابل تفسیر و تبیین است.

در این شعر از گیسوان هلیا سخن گفته می شود که در فراق همسر (رزمنده‌ی جنگ) سپید شده است و رزمنده از وی می خواهد، با این گیسوان سپید زخم او را پانسمان کند (تشبیه مضمر موی سپید به رشته‌های باندهای سپید پانسمان بدیع می باشد).

www.SID.ir

Archive of SID

در بیت دیگر تار موی معشوق به حرزی که بر بازوی رزمنده بسته می شود تا وی را از آفت برهاند و تشبیه حرز محبت و عشق بر فضای غنایی غزل می افزاید. در بیت دیگر، تار موی معشوق کارکرد دیگری می یابد و آن همراه شدن با نامه است و ترکیب تیره های طولانی در کنار شب های سنگر و مویه های آن، ایهامی زیبا می آفریند.

بیت بعد شاعر از معشوق می خواهد که زخم های عمیقش را ضجه بزند نه از زخم های عمیقش ضجه بزند. در نگاه اول شاید به نظر برسد که می توان گفت شاعر «را» را به معنی از به کار برده است، چنان که در متون کلاسیک هم استفاده می شود، اما این کاربرد نوعی هنجارگریزی نحوی است که در غزل پست مدرن کم بسامد نیست و توجیهات معنایی خاص خود را دارد و در این شعر کاربردی دو سویه می یابد.

در ابیات بعد، رزمنده به شیوه‌ی دانای کل نامحدود، از افقی بالا حکایت‌گر رنج های زنی بدون شوهر است که رفته رفته گونه هایش می شکند و سالخورده می شود، شب ها کنار پنجره به انتظار می نشیند و عاقبت به خواب می رود. در این مصراع «چشم بستی و باز خوابیدی/ خالی ناامید بستر را» نیز با هنجارشکنی نحوی مواجهیم و با تشخیصی زیبا. و تشخّص کلام در همین است که شاعر نمی‌گوید ناامیدانه در بستر خالی خود خوابیدی. در ابیات بعد شاعر از توصیف ظاهری زندگی معشوق خود فراتر می‌رود و حتی به خواب‌های او هم نفوذ می‌کند و با وارد شدن در این فضای سوررئال توصیف دست‌های بی پیکر و جسدهای ریش ریش شده، گام‌های اساسی‌ترین در بیان مفاهیم مورد نظر خود برمی‌دارد.

در بیت «می‌پرم و کنار پلک خودم چکه چکه دوباره می‌ریزم»، سیال‌پنداری بدیعی روی می‌دهد که حکایت‌گر روایت جنگ و صحنه‌های شهادت جانگداز رزمندگان است. آن‌جا که تمام وجود مرد اشک می‌شود و از کنار پلک خود وی چکه چکه فرو می‌ریزد. کدام پیکر و کدامین پلک که بتوان اشکی از آن جاری ساخت؟ شاعر خود در مصراع بعد ماهرانه به آن پاسخ می‌دهد.

شاعر در بیت نهم به توصیف ماهیت جنگ و ویژگی مخرب و ویرانگری آن می‌پردازد و به آن به عنوان یک پدیده‌ی نابودکننده‌ی حیات انسان‌ها می‌نگرد، اما بلافاصله به ویژگی نابرابری آن اشاره می‌کند و این که آغازگر جنگ در لباس کفتر چون کفتار عمل می‌کند. جناس اشتقاق کفتار و کفتر که در عین حال نمادهای رایج خود را در ذهن تداعی می‌کنند، قابل توجه و بدیع است.

در بیت دهم، رزمنده خود شهادت خویش را روایت می‌کند؛ اوج پرواز کافی نیست، در این کره‌ی خاک پرواز امکان‌پذیر نیست و هر چند پرواز کنی محکوم به سقوط هستی و تنها راه رهایی، فراروی و بالا رفتن از این آسمان کمّی‌هاست؛ و شهاب گلوله می‌آید و چون سنگ ستاره در بیکرانه‌ها رهایت می‌کند.

در بیت بعدی رزمنده یا همان شهید این بار روایت خویش را از زبان همسر خود یا دیگر مخاطبان جنگ می‌گوید؛ آنانی که فهم حقیقت پرواز برایشان مشکل است و درک شهاب و ستاره و آسمان بسی دشوار. آن‌هایی که جنگ را تنور خودسوزی می‌خوانند و این اشاره‌ای لطیف دارد به سوختن شهاب. ترکیب کنایی دکمه‌های گلوله را بر ردیف پیراهن دوختن یکی از ترکیب‌های بدیع و زیبای این شعر است.

در بیت دوازده هم‌چنان روایت از زبان همسر ادامه می‌یابد. شکوه از این که از پیکر قوی و ستبر شوهرش تنها پلاکی و استخوانی و خاکی بازگردد و گزاره‌های بیت بعدی نشانگر این است که رزمنده نمی‌خواهد با سخنان آشنا و کلیشه‌ای همسرش را راضی کند، بلکه تنها با او غمگنانه هم‌دردی می‌کند و در واپسین بیت، پیام اصلی خویش را باز می‌گوید: «من کنار فروغ می‌خوابم، تو ولی جنگ و صلح می‌خوانی»؛ تو و امثال تو هنوز در دغدغه‌ی جنگ و صلح هستید و از ماهیت جنگ و آتش‌بس می‌گویید و من در صمیمیتی سیال در کنار روشنایی و نور آرام گرفته‌ام.

www.SID.ir

Archive of SID

جنگ و صلح جهانی در نگاه نقادانه ی شاعران پست مدرن

شاعران پست مدرن نه تنها نسبت به جنگ ایران وعراق ومفاهیم دفاع مقدس نتوانسته اند بی تفاوت باشند ،بلکه نسبت به مسائل فلسطین، کشتار غزه و نسل کشی های قدرتمندان در جهان و سکوت سازمان ملل لب به اعتراض گشوده اند و این حاکی از نگاه انسانی و نقادانه ی آنها به مسأله ی جنگ و آشتی و مقاومت و پایداری ملت ها و رویه های مختلف آنهاست. چنانکه محسن عاصی در شعری از این مسائل یاد می کند و در برخی از ابیات با تلمیحات ظریفی که در عین حال با کلام شعری وی پیوندی مستحکم می یابد، عمیق ترین و تراژیک ترین رویدادهای تلخ دنیای معاصر را به تصویر می‌کشد:

آواز جمعی در « روآندا »[۴] با صدای خون
یک قتل جمعی سازمان های ملل را کشت
یا شهد خون بر دست های کودکان « صرب »
در دشت « بوسنی » خواب زنبور عسل را کشت[۵]
وقتی که بمب افکن شبیه مرد سلاخ است
از گوسفندان « دِرِسدِن »[۶] رد پایی نیست
وقتی نوبل هم صلح از دست « پـِرِز »[۷] می برد
دیگر « فلسطین » روی نقشه اسم جایی نیست
باید خدا با دست گل می زد[۸] ولی انگار
خاک جزیره بهتر از جام جهانی بود
وقتی دهان « ساندز »[۹] مُرد از اعتصاب ، این بار
حتی غذای « انگلیس » انگار جانی بود
چشم « شلمچه » تا « حلبچه »[۱۰] سوخت اما ساخت
با تاولی بر صورت و با مرگ در ریه
با « خاوران» سوخته در شعله ی اعدام
با « آشوویتس »[۱۱] زنده ای در خاک « سوریه »
شاید «هیروشیما »[۱۲] نمرده گوشه ی تاریخ
شاید « ویت کنگی »[۱۳] میان جنگلی زنده است
شاید من و تو گرم رقصی توی « کشمیریم »[۱۴]
شاید خدا تنها نمی خندد ولی زنده است
رویای خوب و حرف هایی خوب تر داریم
دنیای خون آلود روی دستمان مانده
امیدمان توی کلیسا بر صلیبی رفت
تقدیرمان جاماند در دستان فرمانده
تکرار زخم قرن هاییم و نمی میریم
دیگر برای خوب بودن هم زمانی نیست
دیگر جهان پیر چشمش سمت پایان است
ما آخر خطیم اما... قهرمانی نیست

(عاصی ، ۱۳۹۱)

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه‌گیری

از شاخصه‌های اصلی غزل پست مدرن و به طور کلی ادبیات پسامدرنیسم حرکت بر خلاف جریانات جاری و مرسوم ادبی و به تبع آن اجتماعی، سیاسی و ... است. همین هنجار شکنی‌ها و ورود به قلمروهای نامعهود و نامتعارف و فضاهای هجوگونه و شکستن تابوهای فرهنگی و مذهبی سبب شده است که شاعران پست مدرن کمتر به عرصه‌ی ادبیات دفاع مقدس که شاخصه‌های معنوی و دینی مطابق با آرمان‌های متعالی ملّی و مذهبی دارد، وارد شوند. اما فراگیر بودن این جریان عظیم در پهنه‌ی تاریخ معاصر ایران و اثرات فرهنگی، اجتماعی و ادبی عمیق آن چنان بوده است که ذهن شاعران پست مدرن هم درگیر آن شده و در این حوزه اشعاری آفریدند که بسیاری از شاخصه‌های اصلی غزل پست مدرن از جمله فضاهای مشمئزکننده و طنزآمیز، ساختارهای نامتعارف و انتقادهای مبالغه‌آمیز در آنها دیده نمی‌شود، چنانکه اگر غزل‌های انتخابی این پژوهش در بیرون از مجموعه غزل‌های پست مدرنی شاعران مذکور خوانده شود، به دلیل همین تفاوت‌های ساختاری و معنایی ممکن است در حیطه‌ی اشعار پست مدرن قرار نگیرد و همین مسأله ادعای پژوهشگران این تحقیق را به اثبات می‌رساند.

اکثر این اشعار از نظر ادبی و اشتمال بر ترکیبات بدیع و استعارات و کنایات زیبا در خور توجه و تأمل هستند و از نظر ساختاری اکثر این غزل‌ها، از نوع غزل-داستان و حاوی روایت‌هایی تأثیرگذار و شگفت از دفاع مقدس با بار معنایی ژرف می‌باشند. در حوزه‌ی معنایی نیز به بیان مسائل انسانی و عاطفی جنگ و گاه برخی بحران‌های اجتماعی ناشی از آن می‌پردازد که از این منظر به موتیف های ادبیات جنگ در جهان شباهت پیدا می کند. همچنین شاعران پست مدرن ایرانی با نگاه تیزبین و نقادانه ی خویش نسبت به مسأله جنگ و صلح و فجایع صاحبان قدرت در جهان بی تفاوت نبوده اند و اشعاری موثر در این باره سروده اند.

پی‌نوشت

۳. تذکر این نکته ضروری است که برخی از آثار غزل گویان پست مدرن با محدودیت‌های چاپ و پخش مواجه بوده است، نگارندگان با در نظر داشتن این مهم از ذکر مثال و تحلیل در باب دفتر شعر سید مهدی موسوی با عنوان «خطاب به شترمرغ‌ها» که مجموعه شعر دفاع مقدس است و بنا به گفته‌ی خود وی، برای ادای دین به شهدای جنگ تحمیلی آن‌ها را سروده است، پرهیز کرده‌اند. ضمن اینکه طبق آخرین خبر از سایت محسن عاصی قرار است این مجموعه با تغییر نام به « حتی پلاک خانه را » و با حذف برخی شعرها و اضافه شدن چند کار جدید منتشر و در نمایشگاه کتاب ۱۳۹۲ عرضه شود.

۴. در سال ۱۹۹۴ به دنبال سقوط هواپیمای حامل «جونال هابیا ریمانا» رییس جمهور وقت روآندا در نزدیکی کیگالی پایتخت این کشور به وقوع پیوست. قوم «هوتو» این عمل را به قوم توتسی نسبت داد. همین امر آغاز درگیری‌های شدید میان این دو قوم شد که به کشتار حدود ۸۰۰ هزار توتسی رواندایی و هوتوهای میانه رو در مدت ۱۰۰ روز توسط هوتوهای تندرو منجر شد. سازمان ملل درابتدا از پذیرش این رویداد به عنوان نسل‌کشی خودداری کرد ودر نتیجه به شدت مورد انتقاد رسانه‌های جمعی قرار گرفت. این واقعه منجر به بحث‌هایی برای تغییر در ساختار سازمان ملل به منظور برخورد سریع با نسل‌کشی گردید.

۵. کشتار یا نسل‌کشی سِربِرِنیتسا به قتل حدود ۸۰۰۰ نفر از ساکنین بوسنیایی شهر مسلمان‌نشین سربرنیتسا (در بوسنی و هرزگوین امروزی) توسط ارتش جمهوری صربستان گفته می‌شود. این کشتار، بعد از جنگ جهانی دوم، بزرگ‌ترین نسل‌کشی در اروپا به شمار می‌آید.

۶. از ۱۳ فوریه تا ۱۵ فوریه ۱۹۴۵ (۲ماه قبل از پایان جنگ) در حالی که پیروزی متفقین قطعی می‌نمود، برای کمک به پیشرفت سریع‌تر نیروهای شوروی که از شرق به سوی آلمان درحال پیشروی بودند، بمب‌افکن‌های سنگین نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا و نیروی هوایی ایالات متحده بیش از ۳۹۰۰ تُن بمب متعارف و آتشزا بر روی شهر درسدن فرو ریختند. شدت آتش‌سوزی به حدی بود

www.SID.ir

Archive of SID

که آسفالت خیابانها نیز ذوب شد. آمار دقیقی از تعداد کشته شدگان در دسترس نیست، اما طبق تحقیقات اخیر، رقم کشته شدگان، بین ۲۴،۰۰۰ تا ۴۰،۰۰۰ نفر غیر نظامی تخمین زده می‌شود. البته بسیاری از جمله کورت وانگات که از نزدیک شاهد بمباران درسدن بوده آمار کشته‌ها رادر کتاب « سلاخ‌خانه شماره پنج » ۱۳۴۰۰۰ نفر ذکر کرده‌است.

۷. شیون پرز(شیمعون پرز) رییس جمهور وقت اسراییل است که به دلیل اینکه مذاکرات صلح با سازمان آزادی‌بخش فلسطین را پیگیری کرد به همراه عرفات و اسحاق رابین، برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل سال شد اما کشتار در غزه و ساختن دیوار حائل در زمان ریاست جمهوری او اتفاق افتاد.

۸. در جام جهانی ۱۹۸۶ در مکزیک مارادونا در اوج حساسیت‌های این جام و در بازی آرژانتین و انگلستان در مرحله یک چهارم نهایی که به نوعی جنگ جزایر فالکلند در میدان ورزشی را تداعی می کرد حاضر شد. مارادونا با به ثمر رساندن دو گل تاریخی موجب پیروزی آرژانتین شد. نخستین گل مسابقه را مارادونا در ابتدای نیمه دوم با دست به ثمر رساند.مارادونا بعدها در توصیف این گل گفت که این دست وی نبود که توپ را وارد دروازه کرده ، که دست خدا بوده است.

۹. او در ۱۹۷۲ و در سن ۱۸ سالگی به ارتش جمهوریخواه ایرلند پیوست. او همواره خواستار خروج ارتش بریتانیا از شمال ایرلند بود و به همین دلیل وارد این ارتش شد. وی یک سال بعد به جرم حمل اسلحه دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شد. ۶ ماه پس از آزادی در ۱۹۷۷ دوباره به همین جرم و این بار به ۱۴ سال زندان محکوم شد، ولی به محض ورود به زندان در اعتراض به رفتار دولت از پوشیدن لباس زندانیان امتناع کرد و خواستار این شد که او را به عنوان یک زندانی سیاسی بشناسند نه زندانی جنایی. او در مارس ۱۹۸۱ اعتصاب غذای خود را آغاز کرد اما دولت بریتانیا حاضر به پذیرش خواست‌های بابی ساندز و دیگر زندانیان جمهوریخواه نشد . سرانجام بابی ساندز پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا در سن بیست و هفت سالگی در ۵ می ۱۹۸۱ در زندان بلفاست درگذشت.

۱۰. بمباران شیمیایی حلبچه در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ توسط حکومت بعث عراق صورت گرفت. این بمباران بخشی از عملیات گسترده‌ای به‌نام عملیات انفال بود که بر ضد ساکنان مناطق کردنشین عراق انجام گرفت . در پی عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران و تصرف بخش‌هایی از کردستان عراق در اواخر سال ۱۳۶۶ که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام حسین دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. در پی این حمله حدود پنج هزار تن از مردم حلبچه که غیر نظامی بودند کشته شدند. همچنین شلمچه نیز بارها مورد حمله ی شیمیایی دولت عراق قرار گرفت.

۱۱. اردوگاه "آشوویتس- بیرکناو" بزرگترین اردوگاه از بین اردوگاههای تمرکز و مرگ بود که در خاک لهستان ساخته شدند. از این اردوگاه برای کار و تمرکز استفاده میشد و همزمان اردوگاه مرگ نیز بود. آشویتس- بیرکناو به عنوان اردوگاه مرکزی برای انجام نابودی ملت یهود انتخاب شد و در آن چند سلول گاز و کوره آدم سوزی ساخته شد. قتل با گاز سیکلون ب انجام می شد که پیش از این روی اسیران جنگی شوروی آزمایش شده بود.

۱۲. هیروشیما شهری در غرب جزیره هونشو در کشور ژاپن است. نخستین شهری است که به آن حمله اتمی شد (ششم اوت ۱۹۴۵م). با انفجار بمب اتمی چهار تنی محتوی ۶۰کیلوگرم اورانیوم-۲۳۵ موسوم به پسر کوچک بر روی این شهر، تا پایان سال ۱۹۴۵م در حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر و در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ در حدود ۶۰۰۰۰ نفر جان باختند. بمب که در ارتفاع ۵۴۸متری زمین منفجر شد قدرتی برابر با ۲۰۰۰۰ تن تی‌ان‌تی داشت و در حال انفجار از فاصله ۹ کیلومتری ۱۰ برابر نورانی تر از خورشید دیده می‌شد.

۱۳. ویت کنگ‌ها یا جبهه رهایی بخش ملی ، نیروهایی نظامی بودند که در جریان جنگ ویتنام در ویتنام جنوبی و کامبوج در برابر نیروهای آمریکایی می‌جنگیدند.

۱۴. کشمیر نام منطقه‌ای است که زمانی دارای دولتی سلطنتی در هیمالیا بوده‌است و امروزه بخش‌هایی از آن مورد ادعای کشورهای چین، هندوستان و پاکستان است. هند دو سوم کشمیر را کنترل می‌کند و پاکستان یک سوم باقیمانده را در کنترل خود دارد. هر دو کشور مدعی تمامی منطقه هستند. جدایی‌خواهان مسلمان در کشمیر هند از سال ۱۹۸۹ میلادی برای استقلال یا ادغام با پاکستان می جنگند و در جریان آن تاکنون بیش از ۴۷ هزار تن کشته شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- باباچاهی، علی؛ گزاره‌های منفرد: بررسی انتقادی شعر امروز ایران؛ چ. اول؛ ج. ۲؛ تهران: انتشارات سپنتا، ۱۳۸۸
- _____ ؛ «تردیدها و تأییدهای شعر پست مدرن» (گفت و گو)، روزنامه همشهری، ۶ مرداد، ۱۳۸۲
- تامسن، فیلیپ، گروتسک، ترجمه ی فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۰
- حسینی، حسن؛ هم صدا با حلق اسماعیل؛ تهران: نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۰
- حقوقی، محمد؛ مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران: نظم، شعر؛ تهران: انتشارات قطره، ۱۳۷۷
- حکمت‌شعار، منصوره؛ باروت حرف‌های پس برف؛ شیراز: انتشارات دستان‌سرا، ۱۳۸۹
- دستغیب، عبدالعلی؛ «شعر پست مدرن جای امیدواری دارد»؛ روزنامه همشهری، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۰
- سعیدی، مهدی، رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
- سنگری، محمدرضا؛ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج. ۱ و ۳، تهران: انتشارات پائیزان، ۱۳۸۰
- شفاعی، آرش؛ «چندصدایی در شعر امروز: با دکتر ترانه جوانبخت و مؤلفه‌های ادبیات پست‌مدرن» نشریه‌ی جام جم، ۱۱ تیر ۱۳۸۴
- شمس لنگرودی، محمدتقی؛ تاریخ تحلیلی شعر نو؛ چ. دوم؛ تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۷
- صحرایی، رضا؛ گریه روی شانه‌ی تخم مرغ (مجموعه آثار برگزیده‌ی نخستین جشنواره‌ی غزل پست‌مدرن)؛ ناشر الکترونیک: کتابناک، ۱۳۸۴
- صدیق، رضا؛ شعر؛ نشریه‌ی همین فردا بود (فصل‌نامه‌ی غزل پست مدرن)؛ ش. سوم، بهار ۱۳۸۷
- صنعتی، محمدحسین، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۸۹
- عاصی، محسن، شعر، سایت پسماند، http://pasmand.blogfa.com ، **۱۳۹۱**.
- فولادوند، عزت‌الله؛ از چهره‌های شعر معاصر؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷
- کاکایی، عبدالجبار؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان؛ تهران: انتشارات پائیزان، ۱۳۸۰
- کوثری، مسعود، تأملاتی در جامعه شناسی ادبیات، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹
- گریزپا، زهرا؛ استکانی کنار بعد از ظهر؛ مشهد: انتشارات سخن‌گستر، ۱۳۸۷
- موسوی، سیدمهدی؛ مصاحبه‌ی اختصاصی با استاد محمدعلی بهمنی؛ نشریه‌ی همین فردا بود (فصل‌نامه‌ی غزل پست مدرن)؛ ش. اول، تیر ۱۳۸۶
- میرزایی، شهرام؛ سکسکه‌های یک مست؛ کاشمر: انتشارات کشمر، ۱۳۸۸
- نجومیان، امیرعلی؛ درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات؛ اهوار: نشر رسش، ۱۳۸۵
- نوذری، حسینعلی؛ پست مدرنیته و پست مدرنیسم (مجموعه مقالات)؛ تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹
- وارد، گلن؛ پست مدرنیسم؛ ترجمه‌ی قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، چ. دوم، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۷

www.SID.ir